

محمد جراحی چهره محبوب جنبش کارگری در گذشت

حزب کمونیست کارگری ایران



با کمال تأسف و تأثر محمد جراحی چهره شناخته شده جنبش کارگری و کادر حزب کمونیست کارگری ایران پس از ۳۰ سال تلاش بی وقفه در دفاع از طبقه کارگر و در راه آرمان رهایی بخش کمونیسم و پس از چندین ماه دست و پنجه نرم کردن با سرطان امروز ۱۳ مهر در بیمارستان تجریش در تهران درگذشت.

محمد جراحی را بطور واقعی جمهوری اسلامی به قتل رساند. محمد جراحی همراه یار دیرینه اش شاهرخ زمانی در خرداد سال ۱۳۹۰ به جرم دفاع از حقوق کارگران دستگیر شد، در زندان تبریز مورد ضرب و شتم شدیدی قرار گرفت و در یکی از یبداگاههای حکومت

صفحه ۲

روند استقلال کردستان عراق فوراً باید آغاز شود

حزب کمونیست کارگری ایران

وسیعاً در آن شرکت کردند. بنا به گزارشهای رسمی اکثریت قریب به اتفاق یعنی بیش از ۹۰ درصد مردم به جدایی کردستان از عراق رای داده اند.

صفحه ۲

داشت. علیرغم تهدیدات و فشارهای دولتهای ارتجاعی اردوغان و جمهوری اسلامی ایران و حکومت دست نشانده عراق و مزدوران حشد الشعبی و امثالهم، رفراندوم عموماً در يك فضای آرام برگزار شد و مردم

رفراندوم عمومی در کردستان عراق که روز ۲۵ سپتامبر برگزار شد، مستقل از انگیزه سیاسی دست اندرکاران دولت اقلیم يك رویداد مهم تاریخی بود که بر تحولات بعدی در کل منطقه تأثیرات مهمی خواهد

ادامه بلا تکلیفی مظفر صالح نیا

صفحه ۴

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطف الهی

بالاخره این کفر گویی هم جامی افتد

صفحه ۶

عبدل گلپریان

در مورد عضویت محمد جراحی در حزب کمونیست کارگری

صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری ایران

زندگی و مرگ محمد جراحی، کیفر خواستی تمام و کمال از سوی ما کارگران علیه سرکوب و فقر و فلاکت است

صفحه ۶

اتحادیه آزاد کارگران ایران

چرا چپ سنتی از اعلام عضویت رفیق محمد جراحی در حزب نگران شد؟ مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران

اعلام کردن تعلق حزبی رفیق محمد جراحی صاف و ساده این بود که لازم نیست بیش از این ما صبر کنیم و رفقای خودمان را تمام قد معرفی نکنیم.

رفیق محمد جراحی با شور و شوق بسیار بالایی تقاضای عضویت کرد و آنرا يك تصمیم مهم خودش میدانست. رسماً اعلام کرد نمیخواهد فقط به عنوان يك فعال چپ و کارگری معرفی شود بلکه دوست دارد و

این برایش مهم است که حزب خودش را انتخاب و تقویت کند. بنابر این تا وقتی که این رفیق در قید حیات بود معلوم است که خودش تصمیم می گرفت در چه سطحی تعلق حزبی خودش را اعلام کند، دوماً تعادل قوا فعلاً این اجازه را نمیدهد در سطح وسیعی تعلق حزبی این رفقا اعلام شود. اما این ملاحظه بعد از درگذشت رفیقی مانند محمد جراحی موضوعیت نداشت. ممکن است این روش ما در همه موارد و در هر شرایطی بکار گرفته نشود زیرا با شناختی که از تعادل قوا در

صفحه ۲

ایسکرا: با درگذشت محمد جراحی یکی از رهبران شناخته شده جنبش کارگری و اعلام کادر بودن او در حزب کمونیست کارگری و اکنشهای مختلفی از سوی برخی افراد و نیروهای سیاسی نشان داده شد. علیرغم این و اکنشها ابتدا میخواهم این سؤال را طرح کنم که دلیل اعلام علنی عضویت محمد جراحی در حزب کمونیست کارگری ایران چه بود؟

محمد آسنگران: از نظر من باید سوال بر عکس طرح میشد مثلاً گفته میشد چرا تا کنون و در موارد دیگر قبلاً حزب همین کار را نکرده است؟ و تعلق فعالین حزب را مسکوت گذاشته است؟ متأسفانه در چند سال گذشته ما رفقای بسیار برجسته و قابل اتکالی از دست دادیم اما تعلق حزبی آنها حتی برای حزب خودمان هم بجز تعدادی از رهبری حزب ناشناخته مانده است. اگر سوال این بود پاسخ سراسر و راحتتر بود. اما اجازه بدهید به همین سوال شما با همین مضمون پاسخ بدهم. دلیل ما برای این کار یعنی

هزاران نفر از معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور دست به تجمع زدند ۱۳ مهر تجلی اتحاد و همبستگی مردم بود

صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری ایران

ملاحظه ای در مورد مطلبی تحت عنوان: "مردم نه دم خروس نان را باور میکنند نه قسم حضرت عباس نان را"

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

چرا چپ سنتی از اعلام عضویت...



محمد آسگران

جامعه داریم و با شناختی که از اطرافیان هر فعال داخل کشور داریم طبعاً سبک سنگین میکنیم که کدام روش درست است. آیا همچنان رابطه حزبی را مخفی نگهداریم یا آنرا علنی میکنیم. رفیق محمد جراحی یکی از آن مواردی بود که هم خودش دوست داشت تعلق حزبی را در فرصت مناسب به جامعه اعلام کند هم بقول خودش فعالین کارگری بدون حزب به اهدافشان نمیرسند و تصمیم این بود رفقای دیگر را از حزبی بودن خودش مطلع کند و آنها را تشویق نماید همین راه را انتخاب کنند.

ما قبلاً بارها گفته ایم که سنت مخفی کاری یک روش زندگی مبارزاتی تحمیلی است. تحمیل حکومتی دیکتاتوری است. اما مشکل تنها دیکتاتورها نیستند بلکه این نوع مخفی کاری در کشوری مانند ایران به یک امر درونی و تقدیس شده چپ سنتی هم تبدیل شده است. روشی که این چپ عمیقاً خود را با آن تعریف میکند و بخشی از هویت خودش میدانند. این روش محدود به برخورد این چپ به تصمیم رفیق محمد جراحی نیست که صدایشان در آمده است. سابقه و گستره بسیار بیشتری دارد. این روش غیر اجتماعی فعالیت و چهره نداشتن و با اسم مستعار نوشتن و محفلی فعالیت کردن و محدود نگری در همه زمینه ها و... در چپ سنتی و غیر اجتماعی بسیار جان سخت است. با نگاهی به تاریخ تحولات چپ ایران و سبک کار و روش فعالیت این چپ میبینید که ما در دوره های مختلف با این نوع چپ در حال جدل بودیم و کمونیسم کارگری این سنت غیر اجتماعی و حاشیه ای را در عرصه های مختلفی به عقب رانده است. اما هنوز باید با این سنتهای غیر اجتماعی و سکتی بیش از این در بیافتیم.

ایسکرا: از نظر شما بیان تعلق

حزبی و اهمیت تحزب در درون جنبش کمونیستی و کارگری آنهم در کشوری که حاکمیت اسلامی می کوشد سایه هر انسان کمونیست، آزاده و معترض را با تیر بزند از چه طریقی ممکن است؟

محمد آسگران: در حقیقت مولفه مهم و تعیین کننده برای این مسئله تعادل قوا است. اما چپ سنتی مشککش این نبوده و نیست. این چپ مکانیسمهای داده شده جامعه و جایگاه طبقه و اهمیت قدرت سیاسی و جایگاه شخصیتها در پیشروی و پیروزی مبارزه طبقاتی و... را نمیشناسد. از آن بیگانه است. به یک نوع فعالیت محفلی و فرقه ای عادت کرده است. در مقابل تحولات تازه و روشهای جدید نه سوال دارد و نه پاسخ. از روی عادت و سنتی که با آن بار آمده است به هر تحولی در اطراف خود عکس العمل تکراری و طبق عادت نشان میدهد. موجودی حاشیه ای است و نسل اندر نسل با یک سری اوراد و احادیث خود ساخته مشغول بوده است. در اغلب موارد هم اعتراض و حمله این چپ به حزب کمونیست کارگری برای حفظ وضع خود و دفاع از موجودیت خودش است.

اما برای پاسخ پایه ای تر به این سوال بهتر است فقط به اعلام احکام مورد نظر خودم بسنده نکنم و نگاهی به تاریخ گذشته این چپ بیندازم و از این طریق بگویم چگونه میتوان با سنتهای بازدارنده و غیر اجتماعی باید در افتاد و تا کنون چه سنگرهای فتنه شده است. اجازه بدهید ابتدا بطور مختصر دیدگاه سیاسی این چپ متشکل در سازمانهای موجود یا پراکنده به شکل افراد و اتمهای جداگانه را برای نسل جوان یادآوری کنم زیرا این کمک میکند به نوع فعالیت آنها بپردازم.

از همان اوایل انقلاب ۵۷ اگر نگاه کنیم چپ ایران با همه شاخ و برگهای خود را ضد امپریالیست، مدافع بورژوازی ملی و صنعت خودی میدانست. علیه سرمایه داری وابسته و علیه سگ زنجیری امپریالیسم و مدافع خلق خود را تعریف میکرد. در مورد مسئله آزادی خود را مدافع آزادی خلق و

دیکتاتوری علیه ضد خلق میدانست. مدافع اعدام انقلابی بود و...

نشریات احزاب و سازمانهای چپ آن دوره را نگاه کنید بدون استشنا این موارد را به وفور میبینید. حتی در مورد مطالبه مهمی مانند آزادی زندانیان سیاسی چپ سنتی ایران مدافع این شعار نبود بلکه خواهان آزادی زندانیان سیاسی "انقلابی" بود. یعنی ما چپی داشتیم که زندانی سیاسی اگر خودی نبود اعتراضی به آن نداشت. "اسلام انقلابی" و اسلام مورد "احترام" به دلیل اعتقادات توده ها یکی از پرنسیپهایش بود. هیچ مرزی با ناسیونالیسم نداشت و خودش عمیقاً ملیگرا بود. نقدش به امپریالیسم بود نه به سرمایه داری و... تقریباً تمام آن چپ یا مدافع سیستم حاکم در روسیه بود یا منتقد نیم بند آن بود و آنرا قطب خودی با ایراداتی میدانست. از منظر این چپ استالین نه بعنوان نماینده ناسیونالیسم روس برای احیای سرمایه داری دولتی در روسیه بلکه او را یک رهبر کمونیست با انحرافات ارزیابی میکرد. بخشی از آن چپ مدافع انورخوجه و آلبانی بود و بخشی هم مائونیست و مدافع محاصره شهر از طریق روستا و...

اینها فقط نکاتی از افکار و عقاید و سیاست چپ آن دوره بود. جریان ما با نقد ریشه ای کل این ترند از چپ، در قدم اول کمونیسم را بشکل کلاسیک و مارکسی آن معرفی کرد. جریان ما اعلام کرد که همه این گروههای چپ سنتی عمیقاً پوپولیست و آغشته به ناسیونالیسم و اسلامیسیم است و در بهترین حالت رفرمهایی در زیاده رویهای سیستم سرمایه داری حاکم هدف نهایی آن است. اما نقد کمونیسم کارگری از این هم فراتر رفت و اعلام کرد کمونیسم یک جنبش اجتماعی است. نقد عمیق ما به چپهای دیگر نه تنها به دلیل افکار و عقایدشان بلکه به دلیل تعلق جنبشی اشان باید برجسته میشد. زیرا چپ غیر کارگری و غیر اجتماعی اگر این عقاید عقب مانده را نمایندگی میکند مشککش تنها در تفکر و عقیده اش نیست بلکه تعلق جنبشی آنها به جنبشهای غیر کارگری این

صفحه ۳

محمد جراحی چهره محبوب... از صفحه ۱

اسلامی به پنج سال زندان محکوم شد. در مرداد ۹۵ پس از گذراندن دوره محکومیت و در حالیکه در زندان به بیماری های سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون مبتلا شده بود از زندان آزاد شد. شکنجه گران جمهوری اسلامی در طول زندان مانع معالجات او شدند، او را بارها از داروهای حیاتی اش و از معالجه در بیرون زندان محروم کردند. معالجات او پس از آزادی از زندان بدلیل پیشرفت بیماری در شرایط غیر انسانی زندان جمهوری اسلامی، موثر واقع نشد و امروز ۱۳ مهر در سن ۵۸ سالگی در بیمارستان تجریش در تهران درگذشت. او و شاخرخ زمانی هر دو عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری بودند و هر دو قربانی جنایتکاری جمهوری اسلامی شدند.

محمد جراحی یک کارگر

دریغ که عمر محمد جراحی کوتاه بود، یاد او اما برای کارگران و مردم آزادیخواه همیشه زنده و گرامی خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مهر ۱۳۹۶
۱۵ اکتبر ۲۰۱۷

روند استقلال کردستان... از صفحه ۱

انسان دوست را فرامیخواند که تهدیدات دولتهای ارتجاعی و مزدوران آنها علیه مردم کردستان عراق را محکوم کنند و از اراده مردم برای تصمیم گیری در مورد زندگی خود دفاع نمایند. نباید اجازه داد که دولتهای ارتجاعی و جنایتکاری که در کشورهای تحت حاکمیت خود کوچکترین آزادیها را سرکوب میکنند با نظامی کردن اوضاع و ایجاد فضای ارعاب و تهدیدات جنگی و محاصره اقتصادی و نظامی، مردم کردستان عراق را به دلیل دخالت در سرنوشت خود مجازات کنند. مردم حق دارند رای بدهند و اراده خود را به اجرا بگذارند. کردستان مستقل باید توسط خود مردم و از طریق یک دولت منتخب غیرقومی و غیرمذهبی اداره شود. این اولین گام برای پایان دادن به دزدیها و یکه تازی باندهای حاکم در کردستان عراق است.

اکنون آنچه شاهدیم از یک طرف ادامه تهدیدات از جانب دولتهای ارتجاعی ترکیه و جمهوری اسلامی و باندهای حاکم در عراق و مزدوران وابسته به این دولتهاست، از سوی دیگر بارزانی و دولت اقلیم میخواهند رای مردم را به وثیقه زد و بندها و معاملات خود با این دولتها تبدیل کنند. آنچه مهم و لازم به تاکید است اینست که مردم رای داده اند و رای مردم باید عملی شود. مردم به جدایی رای داده اند و روند این جدایی باید هرچه سریع تر آغاز شود. هیچ مرجعی مجاز نیست که مانع عملی شدن خواست و اراده مردم شود یا بر سر تصمیم مردم دست به معامله گری بزند و تحقق آنرا به تاخیر بیندازد. دولت اقلیم کردستان و دولت عراق باید رسماً و فوراً روند جدایی کردستان را آغاز کنند و شرایط لازم برای اجرای کامل آنرا فراهم نمایند.

حزب کمونیست کارگری از تصمیم مردم برای استقلال حمایت میکند و همه مردم جهان و همه سازمانها و نهادهای پیشرو و

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مهر ۱۳۹۶
۴ اکتبر ۲۰۱۷

چرا چپ سنتی از اعلام عضویت... .

سیاستها را الزامی میکند.

اکنون با این مقدمه مختصر در معرفی سیاستهای نظری و تئوریک این چپ اجازه بدهید سراغ روش فعالیت آنها برویم:

طبعاً در این مختصر نمیتوان به کل ابعاد فعالیت و سنتهای این چپ پرداخت همچنانکه از نظر سیاسی فوقاً به نمونه هایی از دیدگاه سیاسی آن اشاره کردم با نشان دادن نمونه هایی از پراتیک و سنت عملی این چپ هم تلاش میکنم آترا معرفی کنم.

کسی که نشریات جریانات چپ قبل و بعد از انقلاب سال ۵۷ را ورق بزند یکی از پروبولماتیکهای آنها تشکیل حزب است. بسیاری از آنها هنوز شعارشان بعد از چهل، پنجاه سال فعالیت کردن "پیش به سوی تشکیل حزب کمونیست" است. معلوم نیست چند نسل باید از بین برود که این چپ بتواند حزیش را تشکیل بدهد. حتی سازمانهایی که اسمشان را از سازمان به حزب تغییر دادند بجز تغییراسم هیچ کیفیت دیگری نتوانستند از خود نشان بدهند.

یکی دیگر از سنتهای عجیب و عقب مانده این چپ این بود که برنامه سیاسی مدون نداشت و بعد از سالها بالاخره یاد گرفت برنامه تدوین کند. مقالات و نظریات سیاسی تئوریکشان نه با اسم فرد معین نویسند بلکه به اسم سازمان و یا چند حرف الفبا منتشر میشد. این سنتها مورد نقد جریان ما قرار گرفت اگر چه چند سالی مقاومت کردند اما نهایتاً بدون هیچ اظهار نظری در مورد تغییر روش خود ناچار شدند اسم واقعی یا مستعار

خودشان را قید کنند. ناچار شدند بالاخره برنامه ای تدوین کنند که معرف دیدگاه آنها باشد. چنانچه اکنون کمتر سازمانی دیده میشود که نوشته هایش بدون امضا و یا بدون برنامه باشد.

نمونه دیگر معرفی چهره و عکس نویسندگان بود که هنوز جریاناتی هستند مقاومت میکنند اما تقریباً اکثر جریانات چپ ناچار شدند این راه را بپذیرند و البته باز هم بدون نقد افکار و سنت قبلیشان. برگزاری کنگره و جلسات علنی احزاب یکی دیگر از میدانهای جدل ما با چپ سنتی و غیر اجتماعی بود. برای اولین بار حزب کمونیست کارگری ایران به عنوان یک حزب اپوزیسیون جمهوری اسلامی اعلام کرد کنگره هایش علنی برگزار میشود و هر کسی با هر گرایشی میتواند در آن شرکت کند و ناظر باشد. برای ما این مهم بود که مردم بدانند افراد، رهبران و نمایندگان این حزب چه کسانی، با چه پیشینه و سوابقی هستند. در عین حال مردم بتوانند در مورد چگونگی انتخابات ارگان رهبری و مسئولین و مقامات حزبی و تعیین سیاست و سوخت و ساز حزب مطلع باشند. همین تصمیم کافی بود که کل چپ سنتی ایران یک بار دیگر علیه این سیاست قد علم کند. اما چند ماه بیشتر نتوانستند مقاومت کنند و اکنون به عنوان یک امر پذیرفته شده فقط سکوت میکنند و به روش سنتی خودشان ادامه میدهند.

در مورد کمپین برای آزادی محمود صالحی برای اولین بار ما اسم و رسم محمود صالحی را اعلام کردیم و کمپینی بین المللی برای

آزادی او از زندان را سازمان دادیم. همان دوره جریانات چپ ایران تقریباً بدون استثنا در مقابل این روش فعالیت ما قد علم کردند و همگی اعلام کردند که ما در قبال جان محمود صالحی احساس مسئولیت نمیکیم و میخواهیم او کشته شود تا حزب معروف گردد. این اتهامات سخیف از جانب سازمانهای چپ و افرادی که خود را چپ و حتی فعال کارگری میدانستند بسیار عجیب و غیر عقلانی بود. اما باز هم این نوع سنت عقب مانده ناچار به عقب نشینی شد و سرش را پایین انداخت و چند سال بعد ناچار شد همین روش کمپین را بکار گیرد و به روی مبارکش نیاورد که قبلاً چه گندی زده بود و چه اتهامات سخیفی علیه ما پرت کرده بود.

در قدم بعدی مصوبه رهبری حزب مبنی بر لزوم معرفی فعالین جنبشهای اعتراضی با اسم و رسم و چهره واقعی خودشان بود. فراخوان به همه فعالین جنبشهای اجتماعی این بود که با اسم و رسم و عکس خودشان به میدان بیایند و باز هم این چپ دست به مقاومت زد و آترا کفر دانست و اعلام کرد امنیت فعالین را برای معرفیت خودمان میخواهیم به خطر بیندازیم. همان حرفی که امروز در مورد رفیقمان محمد جراحی تکرار میکنند. اما دیدیم با علنی شدن چهره و اسم و بیوگرافی فعالین جنبشهای اجتماعی عکس تصور بیمار آنها ثابت شد. باز هم معلوم شد مشکل آنها امنیت نیست بلکه یک نوع بیماری جا خوش کردن در حاشیه تحولات و فرقه گرایی است.

این موارد بسیارند من فقط چند

تا از عرصه های جدل خودمان با این چپ را یاد آوری میکنم و بحث را به پایان میبرم. در مورد مبارزه علیه سنگسار و کمپین برای نجات جان کسانی که جرمشان غیر سیاسی بود و به اعدام محکوم شده بودند، در مورد داشتن رسانه فراگیر رادیویی و تلویزیون و نشریات پرتیراژ و... با این چپ مرتب در حال جدل بودیم و خوشبختانه همیشه ناچار به عقب نشینی شده و توان مقاومت نداشته است. همین چپهای سنتی که امروز دوباره گر گرفته اند، بارها گفتند ما از اسرائیل و کشورهای امپریالیستی پول میگیریم و بارها نوشتند که این حزب سرش به جایی وصل است و... اما قدم به قدم بخشی از همان چپ بالاخره ناچار شد از این نوع رسانه استفاده کند. اگر چه هنوز کسانی هستند با صدا و بدون چهره حرف میزنند و نقش امامان غیبی پیدا کرده اند. این چپ حاشیه ای هنوز یاد نگرفته بود که اگر میخواهد حرفش را به جامعه برساند ناچار است از نشریات با تعداد محفل خود خارج بشود و رسانه پر بینند و پر شنونده و پر خواننده باید در اختیار داشته باشد.

دهها نمونه از این نوع شیرین کاریهای چپ حاشیه ای در تاریخ گذشته و جدال ما با آنها مستند است. اما علیرغم شکست پشت شکست و عقب نشینی و حاشیه ای بودن این چپ این سنت غیر اجتماعی و محفلی و غیر کارگری جدایی بالایی برایش دارد و هر از چندگاهی خودی نشان میدهد.

مورد برخورد به کادر بودن رفیق محمد جراحی آخرین مورد آن است. اما ما همان روشی را در مقابلشان بکار میگیریم که تا کنون انجام داده ایم. ضمن نقد و کنار زدن

مزاحمتهایشان به سیاست و نوع فعالیتی که درست میدانیم ادامه میدهم. بدون شک این چپ راهی بجز عقب نشینی و باز هم سکوت پیش رو ندارد.

ایسکرا: پیرامون همین موضوع و طی چند روز اخیر مخالفتهایی از سوی برخی محافل و افراد وابسته به احزاب بنام چپ ابراز شد. تا جاییکه به نیروهای متشکل در این دست از احزاب مربوط است، این نوع مخالفت خوانی ها ناشی از چیست. ناشی از رقابت آنان است، ناشی از نگرانی از سر مسایل امنیتی است، یا اینکه دلایل دیگری دارد؟

محمد آسنگران: بدون شک مسائل امنیتی را کسانی تشخیص میدهند که تحلیل درستی از تعادل قوا و موقعیت جنبشهای اجتماعی داشته باشند. این چپ مورد بحث ما اهل این کار نبوده و نیست. مشکل آنها امنیت نیست بهانه آنها امنیت است. در مورد کمپین برای آزادی محمود صالحی هم همین را گفتند. دیدیم چه شد و چه اتفاقی افتاد. در مورد علنی فعالیت کردن و اعلام شدن اسم و رسم فعالین این جنبشها همین قشقرق را راه انداختند. اما بعد از مدتی خود همینها مدافع چیزی شدند که ابتدا علیه اش بودند. چیزی که عیان است این است در عرصه سیاست حرفی برای گفتن ندارند ناچارند به سبک جریانات عقب مانده و متعصب دست به شانتاژ و اتهام بزنند. ما اینها را خوب میشناسیم و اهمیتی برایشان قائل نیستیم. تنها وقتی که صرف آنها میکنیم این است که مزاحمتهایشان را کنار بزنیم.

لغو اتهام امنیتی یعنی آزادی اعتصاب و تجمع، آزادی تشکل، آزادی بیان و اعتراض. این یک خواست محوری در مبارزات بخش های مختلف مردم علیه فقر و محرومیت و بیحقوقی علیه مفتخوران و جنایتکاران حاکم است.



کلیه کارگران و معلمان و پرستاران باید به استخدام رسمی در آیند!

هزاران نفر از معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور دست به تجمع زدند ۱۳ مهر تجلی اتحاد و همبستگی مردم بود

روز ۱۳ مهر به مناسبت روز معلم، هزاران نفر از معلمان شاغل و بازنشستگان لشگری، کشوری، تامین اجتماعی و وزارت بهداشت تجمعات پرشوری در شهرهای مختلف برپا کردند و بر تحقق خواسته‌های مهم و فوری خود پافشاری کردند. نقش زنان در این تجمعات بسیار چشمگیر بود. تجمعات پرشور امروز به فراخوان شورای تشکل‌های صنفی و گروه‌های مختلف معلمان برگزار شد و بازنشستگان لشگری، کشوری، تامین اجتماعی و وزارت بهداشت نیز وسیعاً در این تجمعات شرکت کردند. در این تجمعات حضور فعالین کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین اجتماعی برجسته بود. در برخی شهرها از جمله اصفهان و شیراز تعدادی از خانواده‌های دانش‌آموزان نیز در تجمع شرکت داشتند. در تهران بیش از سه هزار نفر در تجمع در مقابل سازمان برنامه و بودجه شرکت کردند. تعداد کثیری نیز در اصفهان، شیراز، تبریز، یزد، مشهد، اهواز، کرمانشاه، زنجان، سنندج، بجنورد، بوشهر، قزوین، مریوان، سقز، ممسنی، شهرکرد، اردبیل، کوهسخت، اسلام آباد غرب، الیگودرز، دلفان، روشمگان و تعداد دیگری از شهرها نیز در مقابل مراکز آموزش و پرورش گرد آمدند و با شعارها و پلاکاردهای مختلف خواسته‌های بحق خود را فریاد زدند. همزمان در بند هفت زندان اوین نیز

با حضور جمعی از زندانیان سیاسی مراسمی به مناسبت روز معلم برگزار شد. زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بهشتی، عبدی، شهابی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، تحصیل رایگان اعلام باید گردد، معلم میمیرد ذلت نمیپذیرد و تا حق خود نگیریم از پی نمی‌نشینیم، از جمله شعارهای شرکت کنندگان در این تجمعات بود. بر روی پلاکاردهای متعددی نیز که در دست تظاهرات کنندگان بود خواسته‌های مختلف معلمان و بازنشستگان به چشم می‌خورد. معلمان زندانی را آزاد کنید، خط فقر ۴ میلیون حقوق ما یک میلیون، معلم کارگر دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، جای معلم زندان نیست، تحصیل رایگان، زندگی می‌خواهیم وعده و بهانه به ما تحویل ندهید، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، و همینطور خواسته یکسان سازی حقوق‌ها که در واقع خواسته افزایش دستمزد بود توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. در تهران و برخی شهرها قطعنامه‌هایی در اعتراض به شرایط اسفبار آموزشی در ایران و با تاکید بر خواسته‌های معلمان قرائت کردند. در الیگودرز در قطعنامه‌ای که توسط یکی از حاضرین قرائت گردید بر خواسته تحصیل رایگان برای کلیه کودکان از جمله کودکان مهاجر تاکید شد.

لازم به توضیح است که از چند هفته قبل معلمان و بازنشستگان به

استقبال ۱۳ مهر رفتند، تبلیغات وسیعی سازمان دادند و پوستره‌های جالب و متعددی که خواسته‌های آنها، اعتراض آنها و همبستگی بخش‌های مختلف مردم را بیان می‌کرد، منتشر کردند و فضایی از شور و اتحاد را در میان معلمان و بازنشستگان و بخش‌های دیگری از مردم ایجاد کردند. تجمعات سراسری امروز بدنبال مبارزات قدرتمند کارگران هیکو و آذراب و سایر اعتراضاتی که در شهرهای مختلف جریان دارد، گام دیگری مبارزات حق طلبانه مردم را علیه فقر و بی‌حقوقی، علیه امنیت نداشتن اعتراضات و علیه آنچه جمهوری اسلامی به سر مردم آورده است جلو برد. جا دارد که صمیمانه دست کلیه حاضرین در تجمعات امروز و بویژه سازماندهندگان این حرکت بزرگ را بشاریم.

در سالهای گذشته نیز معلمان به مناسبت روز جهانی معلم تجمعات اعتراضی برگزار کرده‌اند اما تظاهرات‌های بزرگ و سراسری امسال و همبستگی بخش‌های مختلف مردم با آنها در ۱۳ مهر امسال، این روز به‌عنوان یک روز مهم اعتراضی در تاریخ مبارزه مردم و تحکیم همبستگی میان بخش‌های مختلف مردم ثبت شد.

زنده باد همبستگی
زنده باد اتحاد
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مهر ۱۳۹۶
۵ اکتبر ۲۰۱۷

ادامه باتکلیفی مظفر صالح نیا

اتحادیه آزاد کارگران ایران: مظفر صالح نیا دوازده روز است که در بازداشت ستاد خبری اطلاعات سنندج است. مظفر صالح نیا عضو هیات مدیره اتحاد آزاد کارگران ایران در تاریخ ۷/۹۹/۴ توسط دفتر اطلاعات ستاد خبری سنندج بازداشت شد، اکنون بیش از ۱۲ روز است که از طرف این ستاد، دلیل یا علت بازداشت وی مشخص نشده است از طرفی امروز ۱۵/۷/۹۶ دو مامور لباس شخصی با ارائه برگه احضاریه برای بازداشت مظفر صالح نیا به محل کار وی مراجعه کردند که با آنها گفته شد قبلاً توسط ستاد خبری اطلاعات سنندج جلب و اکنون در بازداشت آنهاست، برگ احضاریه پیوست می‌باشد)

جای بسی تعجب است که پس دوازده روز که مظفر صالح نیا در زندان ستاد خبری می‌باشد، اکنون برگ احضاریه توسط دو مامور که باز مشخص نیست

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۵ مهر ۹۶
برگرفته از سایت اتحادیه آزاد



چيست؟ به مردمی که مبارزه میکنند و اعتصاب و تظاهرات میکنند می‌گویند خشونت نکنید؟ این حکومت است که خشونت میکند و تو سوراخ دعا را مثل همه راستها گم کرده‌ای و مردم را سرزنش میکنی. این قابل نقد جدی است. نه اینکه تو خودت چرا خشونت میکنی و زمینه خشونت را فراهم میکنی. کسانی مثل مهدی که می‌گویند خشونت نکنید منظورشان اینست که رادیکال نباشید. با رژیم کنار بیایید و مسالمت‌آمیز بروید تقاضای کمک

دست اندرکارانش نوشت. نقد به جریان‌های ناسیونالیست و راست صرفاً از سر مبارزه مسلحانه شان نیست. خودتان اکنون مبارزه مسلحانه نمیکنید و آنرا درست میدانید اما آیا در شرایط مناسب تری مبارزه مسلحانه با حکومت اسلامی موضوعیت پیدا نمیکند؟ نباید خشونت و سرکوب و جنایات حکومت را به پای اپوزیسیون نوشت. در واقع آنچه مهدی در نقل قولی که آورده‌اید گفته یک نوع انداختن گناه خشونت به گردن مردم است و این را باید نقد میکردید. که جناب مهدی منظورت از خشونت

ملاحظه‌ای در مورد مطلبی تحت عنوان: "مردم نه دم خروس نان را باور میکنند نه قسم حضرت عباس نان را"

مبارزه در مقابل حکومت جنایتکار اسلامی مجاز است. اینکه این مبارزه در خدمت چه سیاست و برنامه و خط و جهتی باشد قابل بررسی و نقد و تحلیل است. اما شما از اینجا شروع میکنید که "سؤال سادگی این است که اگر مهدی و سازمان او بر اهمیت مبارزه توده‌ای و تداوم و گسترش آن به دیگر شهرها معتقد و پایبند هستند، چرا با اعزام واحدهای مسلح (پیشمرگ) به داخل شهرها و نوار مرزی به تقویت

نگاهی به نشریه ایسکرا کردم. دستتان درد نکند. اما نکته‌ای که می‌خواهم بگویم در مورد نوشته‌ای از خود شما یعنی عیدل گلپریان است. تحت عنوان "مردم نه دم خروس نان را باور میکنند نه قسم حضرت عباس را" بنظرم این نوشته ایراد دارد. شما یعنی حزب کمونیست کارگری هیچوقت علیه مبارزه مسلحانه با رژیم اسلامی تبلیغ سیاسی نکرده‌اید و بنظرم نباید بکنید. هر شکل از

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



مرگ دانشجوی دانشگاه به علت گاز گرفتگی

تجمع اعتراضی دانشجویان علوم پزشکی شهرکرد در پی درگذشت دانشجوی رشته پزشکی زهره قاسمی مقابل ستاد دانشگاه.

آتنا دائمی در بیمارستان برای جراحی بستری شد

صبح روز ۱۵ مهر ۹۶ آتنا دائمی جهت انجام عمل جراحی کیسه صفرا از بند نسوان زندان اوین به بیمارستان منتقل و بستری شد. آتنا دائمی پیش از این به دلیل داشتن دستبند و پابند در هنگام بستری شدن در بیمارستان از حضور در بیمارستان امتناع کرده بود.

زنان مالباخته پدیده کفن پوش جلوی استانداری تجمع کردند

روز ۱۵ مهر ۹۶ مالباختگان پدیده مجدداً به خیابان آمدند. این قربانیان که مدت سه سال است در خیابانها به وضعیت بلاتکلیف خود با وعده های عمل نشده اعتراض میکنند، در برابر استانداری خراسان کفن پوشیدند. آنها به این نکته مهم واقف هستند که تنها و تنها راه دستیابی به حقوق از دست داده شان اتحاد با یکدیگر و ادامه تحصن و اعتراضهای خیابانی است.

چرا زنان معتاد در هرات افغانستان به تن فروشی رو آوردند؟

شماری زیادی از زنان معتاد در ولایت هرات افغانستان به تن فروشی یا روسپی گری رو آورده اند. به گزارش خبرگزاری "افق"، شماری از زنان و کودکان معتاد در ولایت هرات افغانستان را بستگان شان به مواد مخدر معتاد کرده اند تا از این طریق، از آنان به عنوان برده جنسی استفاده کنند.

در کنار این شماری از مردان معتاد، همسرانشان را به روسپی گری مجبور می سازند، برخی از این زنان معتاد، از دختران خردسال خود به عنوان برده جنسی استفاده می کنند.

یک تن از معتادان زن در هرات در مصاحبه با خبرگزاری "افق" گفته

هاجرپور گفت: متهم به قتل طی بازجویی ها اعتراف کرد که این زن ۳۰ ساله همسر موقت وی بوده که به اتفاق هم به بیستون رفته و در مسیر، بحث در رابطه با طلاق همسر اول متهم و ازدواج با این زن بالا می گیرد و متهم را تهدید کرده که خود را خواهد کشت و در حین تهدیدها قرصی را از کیف خود خارج و مصرف کرده و در مسیر حال زن بد شده و جاننش را از دست میدهد. هاجرپور گفت: «متهم ادعا کرده با دیدن صحنه تمام کردن زن در ماشین، دچار هراس شده و از ترس جسد همسر موقتش را در گردنه اسداباد رها کرده است»

دادستان اسداباد افزود: «پرونده جسد کشف شده این زن ۳۰ ساله در گردنه اسداباد در بازپرسی اسداباد در حال رسیدگی است و متهم با قرار بازداشت موقت روانه زندان شده است»

روز یکشنبه ۱۶ مهر ۹۶

مختصمان بیهوشی در مقابل مجلس تجمع اعتراضی داشتند.

پیش از این در تجمعات مختلف در سایر شهرستانها هم دستیاران بیهوشی به تعارف بیهوشی اعلام شده از طرف هیات وزیران اعتراض دارند.

بر اساس تعرفه های اعلام شده در سال ۹۶ که از سوی هیات وزیران تصویب شده، رشته بیهوشی حدود ۲۵ درصد کاهش تعرفه ای داشته است.

دانشگاه علوم پزشکی شیراز روز سه شنبه ۲۱ شهریور مقابل دانشکده پزشکی شیراز تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان لغو کاهش تعرفه بیهوشی شدند.

از صفحه ۴ ملاحظه ای در مورد مطلبی ...

ناسیونالیستی کارش کنار زدن مردم از صحنه مبارزه است و نه پیشبرد مبارزه مردم.

در رابطه با مبارزه مسلحانه در شرایط دیگری در مقابل رژیم اسلامی، قطعاً موضوعیت پیدا میکند که این مسئله برمیگردد به تحولاتی که منجر به سرنگونی رژیم اسلامی میشود. مقطع انقلاب ۵۷ نمونه تاریخی و گویایی است. ضرورت شرایط انقلابی ایجاب میکند که در مقابل مقاومت پس مانده های رژیم مردم باید دست به اسلحه ببرند و کار آنها را تمام کنند. فکر میکنم حزب ما در مورد تعریف از جایگاه مبارزه مسلحانه و اینکه در چه شرایط و مقطعی باید دست به اسلحه برد که نه تنها خللی در مبارزات توده ای و اجتماعی آنان ایجاد نکند بلکه برعکس در تقویت و به سرانجام رسانیدن این مبارزه برای پایان دادن به حکومتی که نفس های آخر را میکشد و صد چندان لازم و ضروری است، سیاستش در این باره روشن است.

با توجه به توضیحاتی که دادم و با توجه به ملاحظات شما فکر میکنم لازم بود که خود بحث خشونت از جانب جریان راست را هم مورد تاکید و نقد قرار میدادم که برای خواننده این ابهام را ایجاد نکند. این کنه تمام نکته من در آن مطلب است که در ایسکرا شماره ۹۰۱ منتشر شده. بنابراین اگر اشکالی کمبودی در این نوشته هست از این رو است و ملاحظه شما برای شکافتن بیشتر موضوع را درست میدانم و در این یادداشت سعی کردم در پاسخ به ملاحظات شما تا حدودی آنرا توضیح دهم.

عبدل گلپریان

خبریه کنید. این موضع راستها است که مهتدی هم دارد همین را میگوید.

.....
پاسخ من به ملاحظات فوق با تشکر از ملاحظات شما. نوشته من شاید نتوانسته است اصل مطلب را ادا کند و برداشتی را که شما میگویید از آن بدست بدهد که قطعاً هدف من این نبوده است و این را اینجا تاکید میکنم. مطلب من در واقع به یک موضوع معین در رابطه با فعالیت نظامی یک سازمان مسلح در یک موقعیت بسیار مشخص اشاره دارد. این سازمان (حزب مهتدی) در جریان اعتصاب مردم شهر بانه در حمایت از کولبران که شهرهای دیگری در کردستان نیز بطور توده ای و اجتماعی از آن حمایت کرده و به خیابانها آمدند، از یک سو ظاهراً از این حرکت اعتراضی حمایت بعمل آورد و از سوی دیگر فوراً به مردم هشدار داد که مبارزه را به "خشونت" سوق ندهید و در عین حال واحد نظامی سازمانش را روانه فعالیت نظامی در اطراف شهرها کرد.

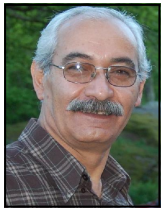
هدف نوشته من بیان این تناقض بود. در حالی که مردم شهرهای کردستان در سطح گسترده ای در اعتراض به رژیم اسلامی به خیابانها آمده و در چند شهر اعتصاب عمومی صورت گرفته است، لذا طرح بحث خشونت از جانب مهتدی و فعالیت نظامی در چنین شرایطی در مغایرت با حرکت توده ای مردم در این شهرها است و روانه کردن واحد نظامی مسلح میتوانند بهانه ای بدست نیروی سرکوب رژیم اسلامی بدهد و مبارزات مردم را با خشونت نهادینه شده اش حاشیه ای کند. کلاً جنبش



علیه تبعیض

آزادی مردم کردستان، و تحقق حقوق انسانی و مدنی آنها در چهار چوب عراق، مادام که چنین نظام و رژیم در این کشور بر سر کار است، غیر ممکن است.
اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان بارها نشان داده اند که نه فقط هیچ جایی در تلاش تاریخی مردم کردستان عراق برای رهایی از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارد، بلکه خود جزو اولین موانعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه آزادیخواهانه آنها کنار زده شوند.

زندگی و مرگ محمد جراحی، کیفر خواستی تمام و کمال از سوی ما کارگران علیه سرکوب و فقر و فلاکت است



عبدل گلپاریان

آیا تا کنون کسانی از ("چپهای" منفرد و حزب گریز) از خود پرسیده اند که رژیم جنایتکار، ضد کارگر و ضد انسان حق ندارد و نباید مانع از عضویت هر انسانی در هر حزب سیاسی و کمونیستی شود؟ آیا این طیف بی شکل در خلوت خود به این فکر کرده است که باید دشمن کارگران را مورد تعرض قرار دهد و بگوید، که اجازه ندارد به هیچ شخصی بخاطر فعالیت و عضویتش در هر نهاد و حزبی که مخالف این سیستم است تعرض و دست درازی کند؟

این طیف حزب گریز و منفرد بیش از دو دهه قبل به علنی شدن چهره و عکس فعالین کمونیست در خارج و فعالیت علنی فعالین کارگری در داخل کشور با همین عینک دودی به این واقعیت نگاه کرد و داد و فغانش بلند شد. زمان لازم بود تا قدری برایش جا بیافتد اگر امروز تمامی مراکز تولیدی، میادین و خیابانها شاهد حضور گسترده کارگران، خانواده هایشان و فعالین کارگری است، به یمن همین حضور رود رو و علنی آنان است.

اگر امروز فعالین و چهره های محبوب و شناخته شده کارگری با قد افراشته و با بلند کردن صدای حق خواهی کارگران و کل جامعه در میادین و خیابانهای شهرها در دفاع از همقطاران خود به ایراد سخنرانی های پرشور می پردازند، نیاز و ضرورت اوضاع و شرایط دنیای امروز در جامعه ای است که مشتی کانگستر اسلامی بر آن حکم میرانند.

آیا این جماعت این سؤال را در مقابل خود قرار داده اند که چرا باید مشتی اوباش مفتخور، مشتی انگل میلیاردی و استعمار

حقوقی و نوك كوه یخ جنبشی عظیم و تاریخی در ایران برای پایان دادن به وضعیت مصیبت بار موجود است که می رود در مصافی تعیین کننده با ستمگران و سرکوب گران، پیام آور آزادی و رفاه و برابری برای طبقه کارگر ایران باشد.

زندگی پر مشقت محمد جراحی و فقر و فلاکتی که در طول دوران حیاتش به او و خانواده اش تحمیل شد و شرایطی که به این انسان عزیز و بزرگ از محکومیت به زندان تا دوران حبس و آزادی و مرگ گذشت خود یک کیفرخواست تمام و کمال علیه همه ی آن ستم و فقر و فلاکت و سرکوبی است که بر میلیونها کارگر در ایران تحمیل شده است.

ما با این کیفرخواست و با ابراز همدردی عمیق با خانواده محمد جراحی و یاران و دوستدارانش اعلام می داریم نه تنها در برابر از دست دادن این فعال برجسته جنبش کارگری ایران سر در گریبان نخواهیم کرد بلکه پرشور و مصمم همچون محمد جراحی و شاهرخ زمانی برای خلاصی از وضعیت مصیبت بار موجود مبارزات حق طلبانه خود را با عمق و دامنه بیشتری ادامه خواهیم داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۱۵ مهر ماه ۱۳۹۶

سیاستهای ضد کارگری سرمایه داری حاکم بر ایران در طول نزدیک به چهل سال گذشته و مبین بکار گیری ضد انسانی ترین شکلی از سرکوب بر علیه حق خواهی طبقه کارگر ایران است که بویژه در طول نزدیک به یک دهه گذشته خود را از طریق سرکوب میدانی کارگران ایران از شهر بایک تا شرکت واحد تهران و لاستیک البرز و هفت تپه و هپکو و آذر آب، تا صدور حکم شلاق بر علیه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج و اجرای این حکم شنیع و ضد انسانی در مورد کارگران معدن آق دره و دیگر کارگران به منصفه ظهور رسانیده و امروز درمانده از حفظ ژست مستضعف پناهی خود، تمام قد و با چهره ای عریان در برابر طبقه کارگر ایران ظاهر شده است.

از جان گذشتگی کارگرانی همچون محمد جراحی و شاهرخ زمانی و اعتراضات جسورانه کارگران هپکو و آذر آب تا تسلیم ناپذیری معلمان و کارگرانی چون اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی، محسن عمرانی، مختار اسدی، محمود صالحی، رضا شهابی، جعفر عظیم زاده و دهها فعال صنفی دیگر، نمادی از ایستادگی طبقه کارگر ایران در برابر ستم و سرکوب و بی

محمد جراحی پس از ماهها ایستادگی در برابر بیماری سرطان، صبح روز پنجشنبه در بیمارستان تجریش درگذشت و دیروز طی مراسم با شکوهی در میان بدرقه خانواده و یاران و دوستدارانش از شهرهای تبریز، تهران، کرج، سقز، سنندج، ساوه و... به خاک سپرده شد.

محمد جراحی تنها به فاصله ۷ ماه پس از آزادی از زندان، در فروردین ماه سالجاری دچار مشکلات جسمانی حاد شد و پس از پیگیری های لازم پزشکی در خرداد ماه امسال بدلیل تشخیص بیماری سرطان کبد بستری گردید.

محمد در زندان دچار بیماری سرطان تیروئید شد و بارها بدلیل عدم رسیدگی پزشکی به وضعیتهای دست به اعتراض زد، با این حال نه تنها رسیدگی های پزشکی لازم صورت نگرفت بلکه او را با تنی رنجور و مریض تا آخرین دقائق پایان دوران محکومیتش در زندان نگه داشتند.

تحمیل ۵ سال زندان با شرایط سخت و غیرانسانی به محمد جراحی و محروم کردن کردن او از مراقبتهای پزشکی لازم و درمان در طول دوران حبس و نهایتا ابتلای او به سرطان کبد و مرگ، نتیجه بلاواسطه

در مورد عضویت محمد جراحی در حزب کمونیست کارگری

محمد جراحی در مورد حزبیت و مشخصا حزب کمونیست کارگری چه نظری داشته و چگونه فکر میکرده است اما نه ما و نه جامعه در اثبات حقانیت حزب به ارائه هیچ سند و مدرکی نیاز نداریم. سابقه و اعتبار حزب در جنبش کارگری و در جامعه بهترین جواب به این مدعیان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مهر ۱۳۹۶

۱۷ اکتبر ۲۰۱۷

هیستریک به حزب و حزبیت کمونیستی است. اینان که از عضو هیچ حزبی نبودن و "مستقل از احزاب" بودن فضیلتی برای خود ساخته اند با حزب کمونیست کارگری و کلا حزب و حزبیت کارگران مشکل دارند.

اما دوران این نوع حزب گریزی و حزب ستیزی ها به سر آمده است. محمد جراحی ها خود گواه روی آوری طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری به حزب و حزبیت کمونیستی هستند. بزودی روشن خواهد شد که

بدنبال انتشار اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد درگذشت محمد جراحی چهره سرشناس جنبش کارگری و کادر حزب عده ای با انتشار یک نامه سراسر توهین و افترا آمیز، عضویت او در حزب را زیر سؤال برده اند. اما مشکل این افراد سند و مدرک عضویت نیست، نفس عضویت یک فعال سرشناس کارگری در یک حزب کمونیستی است. اینان در سطر اول ادعای نامه شان خواستار مدرک شده اند اما سطر دوم به بعد را به سخیف ترین حملات و تهمت و افترازی ها علیه حزب اختصاص داده اند. این یک ادعای حقوقی نیست یک حمله

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون خطر سوسیالیسم منجلابی بیش نخواهد بود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!